NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

یکشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۷۴
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

پایان دکان دونبش مذاکره و برجام



در هفته‌های گذشته سیل درخواست‌ها و مطالبات برای حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای و ایجاد بازدارندگی اتمی به‌شدت افزایش یافته است. پس از آنکه تقریباً همه آنچه سال‌ها با ادعای جلوگیری از آن، ایران را از ساخت بمب می‌ترساندند ـ از جنگ و تحریم تا حمله و ترور ـ بر سر کشور آمد، اکنون مخالفان بازدارندگی هسته‌ای با پرسشی اساسی روبه‌رو هستند: خویشتنداری دقیقاً چه امنیتی برای ایران خرید؟

۷



فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلّح نسبت به هر تهدید احتمالی دشمن مقرّر فرمودند

پاسخ فوری؛ بدون محدودیت جغرافیایی

۲

دستور رهبری برای پایان مرز پاسخ

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای نشانه‌هایی روشن از صورت‌بندی یک دکترین نظامی جدید دارد؛ دکترینی که اگر راهبرد رهبری شهید در جنگ ۴۰ روزه، مفهوم «جنگ منطقه‌ای» و گسترش میدان درگیری را عملاً پیش چشم جهان قرار داد، اکنون یک گام جلوتر رفته و بر برداشتن محدودیت جغرافیایی و عملیاتی از پاسخ ایران تأکید می‌کند.

متن کامل در صفحه ۷



دوحه برای بازکردن گره کار واشنگتن

باز هم قطر مامور نجات امریکا

۶



چندماه پس از مهلت قانونی دولت همچنان گزینه ای برای تصدی وزارت معرفی نکرده است

ماجرای عجیب وزیر اطلاعات

۳

اقتصادی | صفحه ۵

خودرو در مسیر گرانی؛ خبری از وزارت صمت نیست

گرانی خودرو در شرایطی ادامه دارد که نه‌تنها بازار از رونق معاملات برخوردار نیست، بلکه قدرت خرید خانوارها (مصرف‌کنندگان) نیز به‌شدت کاهش یافته است. این وضعیت در حالی شکل گرفته که سیاست‌های وارداتی، قیمت‌گذاری و حمایت از تولید داخل با ابهام و تغییرات متعدد همراه است.

اقتصادی | صفحه ۴

امتیاز دادیم، در لیست سیاه ماندیم!

دولتی که خروج از لیست سیاه را به‌عنوان یکی از دستاوردهای قطعی تصویب پالرمو و CFT به افکار عمومی وعده می‌داد، اکنون باید پاسخ دهد که این همه فشار بر ارکان نظام و تحمیل هزینه‌های سیاسی و حقوقی به کشور، جز امتیازدهی یک‌طرفه به FATF چه دستاوردی داشته است؟

گزارش کوتاه

پیام رهبر انقلاب به مناسبت سالروز عملیات ذوالفقاری

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیامی به مناسبت سالروز عملیات ذوالفقاری و حماسهٔ مردمی بیرون راندن متجاوزان بعثی از جزیرهٔ آبادان، با تبیین عوامل فتح و پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، هوشیاری مردم، ایمان و انگیزهٔ الهی، فداکاری و جان‌فشانی نیروهای مردمی و ایستادگی غیورمردانهٔ آنان در کنار سلحشوری ارتش و سپاه را رمز غلبه بر دشمن متجاوز و مسلّح دانستند.

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

۹ آبان ماه، سالروز حماسهٔ مردمی و عملیات سلحشورانهٔ رزمندگان اسلام علیه متجاوزان بعثی و بیرون راندن آنان از جزیرهٔ آبادان، تنها چهل روز پس از آغاز جنگ تحمیلی اوّل در سال ۱۳۵۹ است.

این حماسهٔ مهم که اوّلین ظفر ملّت ایران در دفاع مقدّس هشت‌ساله محسوب می‌شود و کمتر در موردش گفته شده است، به‌عنوان عملیات ذوالفقاری نام‌گذاری شده و درس‌های بسیاری در مقابله با دشمنان و متجاوزان به میهن اسلامی‌مان در همهٔ زمان‌ها دارد.

آن روزها حاکم مستبدّی بر عراق فرمان می‌راند که نسبت صحیحی با عقاید و سنن ایشان برقرار نمی‌نمود و برخلاف مرام ملّت کریم عراق که به‌حق با مردم ایران نسبت برادری دارند، تصوّر می‌کرد با طرح بعضی شعارها و ادعاهای پوچ می‌تواند رابطهٔ عمیق دو ملّت، که پیشینه‌ای متّکی بر مکتب و مودّت نسبت به خاندان عصمت و طهارت صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین دارد را از هم بگسلد.

دشمن بعثی، آن روزها نیز همچون دشمنِ امروز، از شیوه‌های متداول تجاوز، اشغالگری و محاصره استفاده کرد و راه مقابلهٔ مؤثّر و پیروزی بر نقشهٔ شوم او نیز هوشیاری مردم و نیروهای جان‌فدا و ایستادگی غیورمردانهٔ آن‌ها در کنار سلحشوری دلاوران ارتش و سپاه بود.

آن روز، یک کارگر ساده و غیور ایرانی با فداکاری و ازجان‌گذشتگی، مردم را از نقشهٔ شوم دشمن آگاه کرد و جمعی از نیروهای مردمی و اهالی مساجد آن منطقه، با ایمان و انگیزهٔ الهی و حدّاقلّ امکانات و با هدایت امام جمعهٔ مجاهد و فداکار آبادان، عالم عامل و شجاع، مرحوم آیت‌الله جمی رحمة‌الله علیه، در میدان مبارزه حاضر شدند.

این حرکت مردمی، دشمن متجاوز و مسلّح به سلاح‌های پیشرفته را پشیمان کرد و دیری نگذشت که زنجیره‌ای از اقوام گوناگون ملّت ایران، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، برای دفاع از مرزهای ایران اسلامی منسجم گردید تا آنگاه که کمتر از یک سال بعد، شکست حصر آبادان به لطف الهی و با فرمان امام امّت قدّس سرّه الشّریف محقّق شد.

و امروز نیز همان هوشیاری و ایمان، همان انگیزه و اراده، همان فداکاری و جان‌فدایی و همان غیرت و ایستادگی است که تحت عنایات حضرت حق جلّ وعلا و توجّهات سرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه الشّریف، یاری‌کنندهٔ ملّت مظلوم و مقتدر ایران در مواجهه با سلطه‌گری، جنایت و تجاوز شیطان بزرگ و رسیدن به ظفر در جنگ تحمیلی سوّم است.

«وَما النَّصرُ إلّا مِن عِندِ‌اللهِ العَزیزِ الحَکیمِ.»

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۹/آبان/۱۴۰۵

فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلّح نسبت به هر تهدید احتمالی دشمن مقرّر فرمودند

پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

فرماندهان ارشد نیروهای مسلّح با حضرت آیت‌الله سیّدمجتبی خامنه‌ای، فرمانده معظّم کل قوا، دیدار کردند. رهبر انقلاب در این دیدار، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابلهٔ پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و مقرّر کردند هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.

حضرت آیت‌الله سیّدمجتبی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی تصریح کردند: اگر دشمنان مجدّداً حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی و ملّت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند.

فرمانده کل قوا همچنین بر تقویت معماری اطّلاعات نظامی، تعمیق دفاع بومی در دو حوزهٔ «دکترین» و «تاکتیک»، رشد توانمندی‌های روزآمد دفاعی و امنیتی با بهره‌گیری از فنّاوری‌های نوین و تقویت بنیهٔ معنوی و روحیهٔ جهادی، هم‌زمان با تلاش بی‌وقفه برای تأمین نیازهای معیشتی و پشتیبانی از نیروهای مسلّح، تأکید کردند.

در بخش دیگری از تدابیر فرمانده کل قوا مقرّر شد بانک اهداف به‌نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی - صهیونی در تیررس نیروهای مسلّح قرار گیرد.

ایشان حمایت ملّی از نیروهای مسلّح را از ارکان بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی آن‌ها دانستند و اضافه کردند: حضور هشت‌ماههٔ ملّت مبعوث در میادین، امتدادبخش دفاع مقدّس هشت‌ساله است که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی، از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد.

رهبر معظّم انقلاب اسلامی، با قدردانی از استواری هوشمندانهٔ جبههٔ مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت ساحات را متغیّری تعیین‌کننده با تأثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند این نظم جدید زمینهٔ روزافزون اتحاد ملّت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدّن نوین اسلامی فراهم کند.

سردار سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلّح، امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده کل ارتش، و سردار سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دیدار با فرمانده کل قوا، ضمن ارائهٔ گزارش‌هایی از وضعیت آمادگی مدافعان کشور در سواحل خلیج فارس، مناطق عملیاتی تنگهٔ هرمز، دریای عمان و مرزهای شمال غرب و جنوب شرق کشور، گزارشی نیز از تولید چندبرابری انواع مهمّات و سلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی به استحضار ایشان رساندند.

فرمانده کل قوا، ضمن اظهار خرسندی از فعّالیت‌های انجام‌شده، از فرماندهان ارشد نظامی خواستند مراتب تشکّر و رضایت ایشان را به اطّلاع کلیهٔ نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و کارکنان این سازمان‌ها و وزارت دفاع و خانواده‌های معزّزشان برسانند.

سرلشکر عبداللهی: بانک اهداف را بروز می‌کنیم

رئیس ستاد کل نیروهای مسلّح طی پیامی تاکید کرد: با تمام ظرفیت اطلاعاتی، تحرکات و آمادگی‌های دشمن را رصد می‌کنیم و بانک اهداف را بروز می‌کنیم. هرگاه نشانه‌های اقدام خصمانه دشمن احراز شود، نیروهای مسلح در انتخاب زمان و نحوه پاسخ، منتظر آغاز اقدام او نخواهند ماند. پاسخ ما فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی خواهد بود. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح همچنین به مناسبت هفته پدافند غیرعامل خاطرنشان کرد: حفظ زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی، امنیت سایبری و استمرار مأموریت‌ها در شرایط جنگ و بحران، نقش بی‌بدیل دارد. وی افزود: درس‌آموخته‌های جنگ‌های تحمیلی و ترکیبی آمریکایی صهیونی اخیر علیه ایران اسلامی نشان داد پیاده‌سازی الزامات پدافند غیرعامل در نیروهای مسلح، ضرورتی حیاتی و قطعی است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا همچنین تاکید کرد: هدف راهبردی، حصول اطمینان از کاهش آسیب‌پذیری، ارتقاء سطح آستانه تحمل، افزایش تاب‌آوری و تداوم کارکرد بخش‌های اصلی نیروهای مسلح است و این مهم در سایه پای‌بندی به پدافند غیرعامل قابل دستیابی خواهد بود.

سیاسی

رضایی: ۱۰ طرح برای خروج از NPT در مجلس ثبت شده است



عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس طی گفتگویی تلویزیونی در پاسخ به سوالی وضعیت نهایی خروجی ایران از ان پی تی در مجلس، اظهار کرد: ۱۰ طرح برای خروج از NPT امضا شده و اکثر نمایندگان همراه بودند؛ خروج از NPT در دست بررسی مجلس بوده و طرح‌ها آماده است. وی افزود: تجربهٔ برجام نشان داد که این مسیر جواب نمی‌دهد. بعضی می‌گویند آمریکایی‌ها می‌خواهند ما انرژی اتمی یا سلاح هسته‌ای نداشته باشیم؛ اگر واقعاً این‌گونه بود، در برجام که این مطلب موفق شد اما ترامپ از آن خارج شد و به ما حمله کرد. پس مسئله را باید فراتر از موضوع هسته‌ای ببینیم. به تعبیر امام شهیدمان، دشمنان دنبال بلعیدن ایران هستند.

رضایی در پاسخ به سوالی مبنی بر میزان همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی قبل و بعد از جنگ‌های یک سال گذشته با انتقاد از عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار کرد: سطح همکاری ایران با آژانس تغییر کرده و حتی از میزان فعلی همکاری نیز رضایت نداریم؛ چراکه تاکنون هیچ بهره‌ای از عضویت در این نهاد نبرده‌ایم. نماینده مردم دشتستان در مجلس با تشبیه کارکرد آژانس به سرویس‌های جاسوسی غرب، گفت: آنها به دنبال تکمیل بانک اطلاعاتی خود از صنعت هسته‌ای ایران هستند و در چنین شرایطی نباید در حوزه هسته‌ای با دشمن همکاری کنیم؛ چراکه مسیر امتیازدادن به دشمن، مسیری اشتباه است. وی تاکید کرد که سطح همکاری ما با آژانس تغییر کرده است؛ کارکرد آژانس شبیه سرویس‌های جاسوسی غرب است؛ مسیر امتیاز دادن به دشمن مسیر اشتباهی است.

تاکید حجت‌الاسلام اژه‌ای بر تعیین تکلیف پرونده‌های وطن‌فروشی و گرا به دشمن



روز گذشته، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در خلال نشست آسیب‌شناسی برخی روندها و رویه‌های قضایی، به پرونده‌های جواسیس و عناصر همراه و همکار با دشمن متجاوز نیز گریزی زد و اظهار داشت: پرونده‌های عناصری که علیه کشور و نظام اقدام کرده و علناً وطن‌فروشی کرده‌اند و به دشمن متجاوز گرا داده‌اند، باید با سرعت هر چه بیشتر، البته وفق قانون و در نهایت دقت و عدالت، تعیین تکلیف شود.

رئیس قوه قضاییه با اشاره به تعیین تکلیف و اجرایِ احکامِ بخشی از پرونده‌های عناصر همراه با دشمنِ متجاوز و مزدورانِ خودفروخته‌ای که با خیانت آشکار به کیان این مرز و بوم، دست در دست بیگانه نهاده و امنیت ملی را هدف گرفتند، تأکید کرد: برخورد با این جماعتِ وطن‌فروش و عناصر وابسته به دشمن، باید با قاطعیت تام، سرعت عملِ بازدارنده و در عین حال رعایت دقیق موازین قانونی و عادلانه صورت گیرد تا هیچ گونه روزنه‌ای برای جولان مفسدان امنیتی باقی نماند.

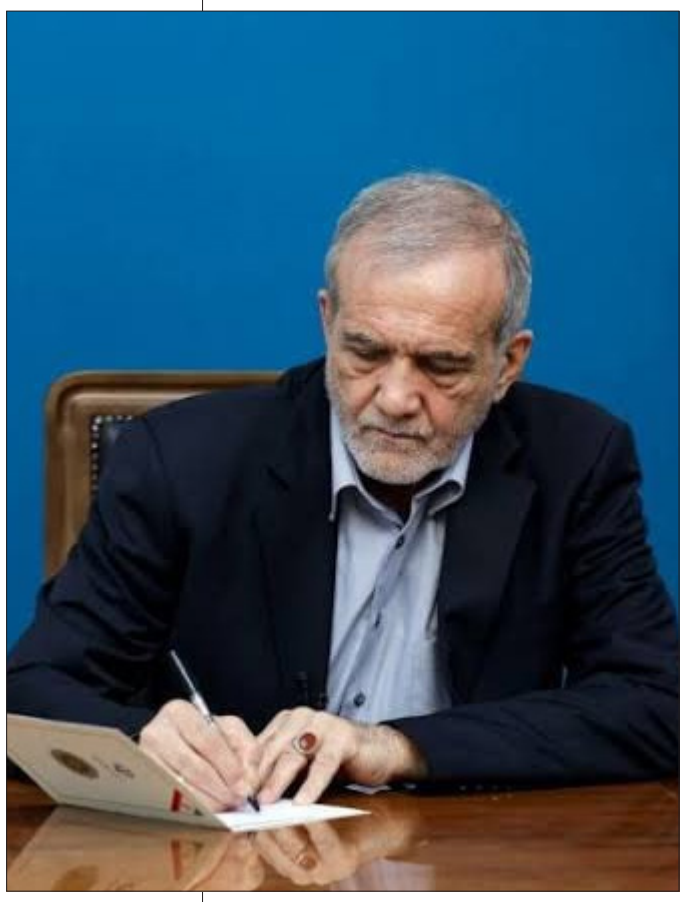
وی همچنین در بخشی دیگر از سخنان خود با تأکید بر صیانت از سلامت و پویایی ساختار عدلیه تصریح کرد: هیچ‌گونه تسامح و اغماضی در برابر سودجویان و قانون‌گریزانی که با توسل به فریب و جعل، درصدد مخدوش کردن وجهه دستگاه قضایی برمی‌آیند، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست؛ پاسداری از حریم قضاوت و حراست از سرمایه بی‌بدیل اعتماد عمومی، خط قرمز عدلیه است و با مخلان امنیت روانی و حقوقی جامعه، قاطعانه و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای برخورد خواهد شد.

چندماه پس از مهلت قانونی دولت همچنان گزینه ای برای تصدی وزارت معرفی نکرده است

ماجرای عجیب وزیر اطلاعات

با وجود گذشت چند ماه از مهلت قانونی دولت برای معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات، پزشکیان هنوز اقدام به معرفی گزینه خود برای این وزارتخانه نکرده و همین موضوع انتقاد نمایندگان را به دنبال داشته است. حجت‌الاسلام و المسلمین سید اسماعیل خطیب وزیر شهید اطلاعات ۲۷ اسفندماه سال گذشته در جریان جریان حمله آمریکایی صهیونیستی علیه میهن‌مان به شهادت رسید. طبق قانون، دولت می‌بایست سه ماه بعد یعنی ۲۷ خردادماه امسال گزینه خود برای این وزارتخانه را معرفی می‌کرد اما این مهم هنوز محقق نشده است.

امین مهاجر
روزنامه‌نگار



حامد یزدیان نماینده مردم اصفهان در مجلس در اینباره به روزنامه نوبنیاد گفت: علاوه بر مهلت قانونی رئیس جمهور برای معرفی وزیر پیشنهاد اطلاعات به مجلس به پایان رسیده و مهلت اضافه هم تمام شده‌است. البته در ماه‌های ابتدایی برای همه ما موضوع عدم معرفی وزیر پذیرفتنی بود چون شرایط کشور هم جنگی بود. وی افزود: دولت با هماهنگی با رهبر معظم انقلاب توانست چند ماه اداره وزارت اطلاعات با سرپرست را تمدید کند اما الان آن مهلت اضافه هم به پایان رسیده است. به گفته یزدیان، عدم معرفی وزیر پیشنهادی و تداوم اداره وزارت اطلاعات نگرانی هایی را به دنبال داشته است چرا که این وزارتخانه یک مرکز حیاتی برای امنیت کشور است. آنهم در شرایط امروز جامعه که هم بابت فتنه‌های داخلی نگرانی وجود دارد و هم تهدیدات خارجی برای توطئه و ناامنی مشهود است. این نماینده مجلس در ادامه گفت: این نیاز حس می‌شود که یک وزیر مقتدری در راس وزارت اطلاعات قرار بگیرد چرا که سرپرست در شرایط درازمدت محدودیتهایی خواهد داشت. وی افزود: اینکه دولت در طول چند ماه نتوانسته برای معرفی یک وزیر به جمع بندی برسد، انتقادبرانگیز است. این نماینده مجلس در ادامه از اصرار دولت بر گزینه‌های خاص برای تصدی وزارت اطلاعات انتقاد کرد و گفت: این اصرار موجب تذکر جدی نمایندگان به دولت شده است چرا که در جمهوری اسلامی همواره وزرای اطلاعات، حایز یکسری ویژگی های قانونی بوده‌اند. ما این هشدار و تذکر را داریم که اگر برخی بخواهند از خطوط قرمز نظام برای وزرای پیشنهادی اطلاعات عبور کنند و در تراز وزارت اطلاعات نباشند، قطعا نمایندگان با گزینه پیشنهادی همراهی نخواهند کرد.

نگرانی از حفره‌های امنیتی

تاکنون تعداد زیادی از نمایندگان نسبت به عدم معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات در موعد مقرر انتقاد داشته‌اند. از جمله روز گذشته، حجت‌الاسلام احمدی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به بلاتکلیفی وضعیت مدیریتی وزارت اطلاعات و ضرورت تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر این وزارتخانه، گفت: بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی، در شرایطی که به هر دلیل از جمله بروز اتفاق برای وزیر یا استیضاح وی از سوی مجلس، رئیس جمهور موظف است برای جلوگیری از بروز خلا مدیریتی در آن وزارتخانه‌ای، در مهلت مقرر قانونی، فرد جایگزین را برای تصدی وزارتخانه به مجلس معرفی کند. وی با بیان اینکه مهلت قانونی معرفی وزیر اطلاعات و تمدید سرپرستی به پایان رسیده است، تصریح کرد: با توجه به شرایط خاص کشور، ضرورت دارد رئیس جمهور در سریع‌ترین زمان ممکن فردی واجد صلاحیت را برای تصدی وزارت اطلاعات به مجلس معرفی کند تا پس از بررسی و کسب رای اعتماد نمایندگان، این وزارتخانه به روال عادی و قانونی اداره شود. پیش از این نیز، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه تأخیر در معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات می‌تواند موجب ایجاد حفره‌های امنیتی در کشور شود، گفته بود: امیدواریم هرچه زودتر تکلیف وزیر اطلاعات مشخص شود؛ چرا که نقش مهمی در زمینه امنیت پایدار کشور دارد و مقابله با نفوذ و جاسوسی در شرایط فعلی بسیار حائز اهمیت است.

تلاش برای انتصاب فردی بدنام در وزارت اطلاعات!

میثم ظهوریان نماینده مردم مشهد در مجلس نوشت: به دلیل اصرار جریانی در دولت برای انتصاب فردی بدنام؛ هفت ماه است که در میانه جنگ کشور بدون وزیر اطلاعات اداره می‌شود؛ در حالی که علاوه بر وزیر معاونین وزارت نیز در همان روز اول جنگ به شهادت رسیده بودند. وی افزود: از لحاظ قانونی نیز اداره وزارتخانه صرفاً برای سه ماه مجاز است و اگر یک ماه و نیم اجازه تمدید این مهلت را نیز اضافه کنیم؛ عملاً حدود سه ماه وزارت حتی فاقد سرپرست قانونی است.

خبر کوتاه

مجلس کجاست تا از بانیان شعار «FATF و حل مشکلات» پاسخ بخواهد؟

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در واکنش به حفظ ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (اف ای تی اف) و درخواست این نهاد در برخورد اقدامات تقابلی با ایران در حساب کاربری خود نوشت: «یادتان هست شعار می دادن با پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف مشکلات کشور را حل می کنیم و سایه جنگ را برمی داریم؟ با بلاهت تمام کشور را در چاله اف‌ای‌تی‌اف انداختند، حالا این نهاد بیانیه داده و خواستار تداوم مقابله با ایران و تداوم قرار گرفتن کشورمان در لیست سیاه شده! اگر کشور مجلس داشت و قانون اجرا می شد الان باید بقه صاحب آن شعارهای پوچ و خسارتبار را می گرفتند و پاسخ می خواستند.»

اکرمی‌نیا: کنترل غرب تنگه هرمز با سپاه و شرق آن با ارتش است

امیر «محمد اکرمی نیا» سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: با توجه به سابقه سیاه رئیس جمهور آمریکا در خیانت به دیپلماسی، ارتش جمهوری اسلامی ایران بی اعتماد و بی اعتنا به اقدامات دشمن، بی وقفه در حال ارتقا آمادگی های رزمی خود است. با دقت تحرکات آمریکا در منطقه را زیر نظر داریم. اگر رئیس جمهور آمریکا بار دیگر با تهدید و تطمیع صهیونیست‌ها دست به ماجراجویی دیگری در منطقه بزند، بی تردید آتش جنگ جغرافیای گسترده‌تری را در بر خواهد گرفت و پایان جنگ به دست او نخواهد بود.

شکار پهپاد آمریکایی در آسمان قشم

پهپاد شناسایی **170-MQM** دشمن آمریکایی در آسمان قشم توسط سامانه‌های پیشرفته جنگال نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زمین گیر شد و برای دومین بار به غنیمت افسران نخبه سپاه درآمد.

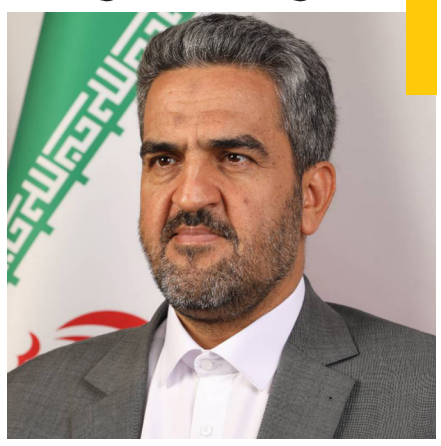
صدور حکم ۵ سال و یک ماه حبس برای کارگردان سینما

روز گذشته، دادگاه، یکی از کارگردانان سینما را به اتهام فعالیت رسانه‌ای و تبلیغی برخلاف امنیت ملی، موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت، به تحمل ۵ سال و یک ماه حبس و ضبط کلیه اموال به نفع دولت محکوم کرد. همچنین، دادگاه از باب مجازات تکمیلی، متهم را به ۲ سال ممنوعیت از اشتغال به شغل، حرفه و کار معین و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و هنری و نیز ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد. گفتنی است که بررسی‌ها از مرجع قضایی نشان می‌دهد که با وجود ابلاغ رأی به متهم، نامبرده در مهلت قانونی نسبت به واخواهی یا تجدیدنظرخواهی اقدام نکرده است.

سرلشکر عبداللهی: حفظ زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی تحت تدابیر پدافند غیرعامل ضروری است

روز گذشته، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح طی پیامی، اظهار کرد: پدافند غیرعامل، هنر پیشگیری، هوشیاری و ایجاد مصونیت پایدار در برابر تهدیدات است. وی تاکید کرد: حفظ زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی، امنیت سایبری و استمرار مأموریت‌ها در شرایط جنگ و بحران، نقش بی بدیل دارد. سرلشکر عبداللهی، افزود: درس‌آموخته‌های جنگ‌های تحمیلی و ترکیبی آمریکایی صهیونی اخیر علیه ایران نشان داد پیاده‌سازی الزامات پدافند غیرعامل در نیروهای مسلح، ضرورتی حیاتی و قطعی است. هدف راهبردی، حصول اطمینان از کاهش آسیب‌پذیری، ارتقاء سطح آستانه تحمل، افزایش تاب‌آوری و تداوم کارکرد بخش‌های اصلی نیروهای مسلح است. این مهم در سایه پای‌بندی به پدافند غیرعامل قابل دستیابی خواهد بود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: بانک‌ها تا ۴۵ درصد سود می‌گیرند



عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: مدتی است گفته می‌شود شکاف بین نرخ سود بانکی، نرخ بهره بیرون از بانک و نرخ تورم افزایش یافته و رانت ایجاد کرده است. این رانت باعث شده تقاضا برای دریافت وام بانکی و استفاده از اختلاف نرخ آن با نرخ تورم افزایش یابد. می‌گویند برخی، وام‌ها را دریافت می‌کنند و آن را با نرخ بسیار بالاتری به دیگران می‌فروشند. رسول بخشی دستجردی افزود: باید این شکاف را از بین ببریم؛ یعنی یکسان‌سازی نرخ‌های بهره صورت پذیرد. الآن نرخ بهره بانکی رسماً ۲۳ درصد است، هرچند ممکن است بانک‌ها به انحای مختلف، برخی مواقع تا ۴۵ درصد هم به‌صورت غیررسمی اعمال کنند. این در حالی است که نرخ تورم بالای ۸۰ درصد است و همچنین نرخ بهره بیرون از بانک نیز بالا است. نرخ‌هایی که در برخی بازارها روی خریدهای اقساطی و مدت‌دار اعمال می‌کنند (اسکونت)، ماهانه به ۸ درصد رسیده است که سالانه آن ۱۵۰ درصد می‌شود. او افزود: بنابراین، پیشنهاد می‌کنند باید نرخ سود بانکی را افزایش داد؛ به این تصور که وقتی نرخ سود بانکی را افزایش دهیم، نرخ بهره در بیرون بانک سر جای خودش خواهد ماند و منتظر می‌ماند تا نرخ بهره بانکی به آن برسد و شکاف کمتر شود. قطعاً این یک تصور اشتباه است که خیال کنیم وقتی بانک مرکزی نرخ بهره بانکی را بالا ببرد، به نرخ‌های بهره بیرون از بانک نزدیک خواهد شد و شکاف از بین خواهد رفت.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: با افزایش دادن نرخ بهره بانکی، تمام نرخ‌های بیرون بانک نیز افزایش خواهند یافت و شکاف سر جای خودش باقی خواهد ماند. دلیلش این است که وقتی بانک، نرخ‌هایش را افزایش دهد، به‌سرعت آن بخش از رشد نقدینگی که تابعی مستقیم از نرخ بهره بانکی است نیز افزایش خواهد یافت که در افزایش بهره بیرون بانک و تورم مؤثر است. بخشی دستجردی گفت: رابطه مستقیمی بین نرخ بهره بانکی و نرخ رشد نقدینگی وجود دارد. وقتی می‌گوییم نرخ بهره بانکی ۳۰ درصد است، یعنی نقدینگی باید حداقل ۳۰ درصد رشد کند. در حقیقت، بهره همان رشد است. شکاف بین بهره بانکی با تورم و بهره بیرون از بانک رانت ایجاد می‌کند؛ بنابراین، باید این شکاف را از بین برد؛ اما راهش نه افزایش بهره بانکی، بلکه کاهش دادن بهره بیرون از بانک است. باید بهره و اسکونت بیرون از بانک را به سمت بهره بانک سوق داد.

تالار شیشه‌ای

شاخص بورس کانال ۸ میلیون را از دست داد

بازار سهام در نخستین روز معاملاتی هفته (دیروز، شنبه ۹ آبان ۱۴۰۵) معاملات خود را در فضایی منفی آغاز کرد و برخلاف انتظار اولیه، این روند تا پایان بازار ادامه یافت. اگرچه در دقایق ابتدایی حدود ۶۴ درصد نمادها در محدوده مثبت معامله می‌شدند، اما به‌تدریج بر شدت فروش‌ها افزوده شد و در پایان، ۶۶ درصد نمادها در محدوده منفی قرار گرفتند. با این حال فشار فروشنده‌ها، افت ۱.۶۲ درصدی شاخص کل بورس تهران و از دست رفتن مجدد کانال ۸ میلیون واحدی را ثبت کرد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی در جریان معاملات روز گذشته به ۳۰ هزار و ۳۲۹ میلیارد تومان رسید. همچنین مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس در محدوده ۵۹ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. با وجود این حجم از داد و ستد، بازار شاهد خروج سنگین نقدینگی بود؛ به‌طوری که حقیقی‌ها حدود ۴ هزار و ۹۷۴ میلیارد تومان از چرخه سهام و صندوق‌های سهامی خارج کردند. در این میان، بیشترین ورود پول حقیقی به گروه‌های شیرینی جات، حمل‌ونقل و حفاری اختصاص یافت.

در پایان معاملات، شاخص کل بورس تهران با افت ۱۲۸ هزار و ۷۴۷ واحدی (۱.۶۲ درصد) به ارتفاع ۷ میلیون و ۸۳۸ هزار و ۸۰۵ واحد قرار گرفت و بار دیگر کانال ۸ میلیون واحد را از دست داد. شاخص کل هم‌وزن نیز با کاهش ۱۲ هزار و ۸۷۱ واحدی (۰.۵۸ درصد) در سطح ۲ میلیون و ۱۹۶ هزار و ۸۷۴ واحد قرار گرفت. در فرابورس نیز شاخص کل با افت ۲۵۶ واحدی (۰.۳۹ درصد) به ۶۶ هزار و ۱۲۸ واحد رسید. بررسی معاملات نشان می‌دهد فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز شدت بیشتری داشته است؛ چراکه میزان افت شاخص کل تقریباً سه برابر شاخص هم‌وزن بود. با این حال، کاهش هم‌زمان شاخص‌های اصلی نشان می‌دهد که فضای منفی به شرکت‌های کوچک و متوسط نیز سرایت کرده است. از سوی دیگر، خروج نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان پول حقیقی، در کنار برتری سرانه فروش به خرید و منفی بودن قدرت خرید، از ضعف محسوس تقاضا حکایت دارد. نکته قابل توجه آن است که خروج نقدینگی تنها به بازار سهام محدود نماند و صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج بیش از ۱۱۵۳ میلیارد تومان پول مواجه شدند. برای معاملات امروز، تداوم احتیاط و نوسان در فضای منفی را می‌توان سناریوی محتمل بازار دانست. بازگشت تقاضای مؤثر، کاهش فشار فروش و توقف خروج پول حقیقی سه عاملی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت معاملات کمک کنند. در مقابل، اگر خروج نقدینگی و برتری فروشندگان ادامه یابد، احتمال روند نزولی وجود دارد.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

امتیاز دادیم، در لیست سیاه ماندیم!

بار دیگر پیش‌بینی منتقدان FATF به واقعیت پیوست؛ ایران با وجود پذیرش تعهدات مورد مطالبه این نهاد، همچنان در لیست سیاه باقی ماند و حتی با تأکید بر تشدید نظارت‌ها مواجه شد. این همان نتیجه‌ای است که جریان غرب‌گرای داخلی با وجود هشدارهای متعدد، حاضر به پذیرش آن نبود. دولتی که خروج از لیست سیاه را به‌عنوان یکی از دستاوردهای قطعی تصویب پالرمو و CFT به افکار عمومی وعده می‌داد، اکنون باید پاسخ دهد که این همه فشار بر ارکان نظام و تحمیل هزینه‌های سیاسی و حقوقی به کشور، جز امتیازدهی یک‌طرفه به FATF چه دستاوردی داشته است؟



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

گروه ویژه اقدام مالی (**FATF**) روز جمعه گذشته (۸ آبان ۱۴۰۵) در بیانیه‌ای اعلام کرد که ایران کماکان در فهرست کشورهای پرخطر (لیست سیاه) باقی خواهد ماند. این در حالی است که سال گذشته، دولت مسعود پزشکیان با وعده خروج از لیست سیاه، فشارهای زیادی را به ارکان نظام وارد کرد و در نهایت، مجمع تشخیص مصلحت، دو معاهده پالرمو و **CFT** را تصویب کرد. دولت چهاردهم و موافقان پیوستن ایران به **FATF** تأکید داشتند که این اقدام، کاهش هزینه مبادلات خارجی، تسهیل تجارت بین‌المللی، بهبود روابط بانکی با ایران و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به دنبال دارد. استدلال‌شان این بود که حتی اگر تحریم‌های آمریکا پابرجا بماند، قرار داشتن ایران در لیست سیاه **FATF**، محدودیت‌های بانکی و تجاری کشور را تشدید می‌کند. آن‌ها مدعی می‌شدند که حتی چین و روسیه برای همکاری بانکی با ایران با محدودیت‌های ناشی از قرار گرفتن کشورمان در فهرست پرریسک **FATF** مواجه‌اند.

هادی خانی، دبیر شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم وزارت اقتصاد، در سال ۲۰۲۵ قرار داشتن ایران در فهرست پرریسک **FATF** را یکی از موانع اصلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی عنوان کرد. اما اکنون گروه ویژه اقدام مالی تمامی اقدامات ایران را نادیده گرفت و کشورمان همچنان در لیست سیاه قرار دارد. البته امروز زمان پاسخگویی کسانی است که آن روزها با وعده خروج از لیست سیاه، کشور را ناچار به تعهدی کردند که هیچ نتیجه مثبتی برای ایران نداشته است و حتی در این مدت، شاهد تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌ها علیه ملت مظلوم ایران بوده‌ایم.

تعهدات یک‌طرفه دولت روحانی و وعده‌های پزشکیان

نگاهی به سیر تاریخی اتفاقات حول **FATF**، ما را به نقطه عطف آن در ۳۰ خرداد ماه ۱۳۹۵ بازمی‌گرداند؛ زمانی که علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت اول حسن روحانی، بدون طی فرآیندهای رسمی در داخل کشور، تعهد سطح بالایی را برای پیوستن به تمامی لوایح و کنوانسیون‌های این نهاد مالی امضا کرد. البته بعدها، با هوشیاری مجلس و دقت‌نظر برخی نمایندگان در رد برخی از لوایح، از محدودیت‌هایی که این تعهدات برای اقدامات و راهبردهای کلان کشور ایجاد می‌کرد، جلوگیری شد. با این حال، با تصویب پیوستن کشور به ۳۹ کنوانسیون از ۴۱ کنوانسیون مورد نظر گروه ویژه اقدام مالی، گام‌های مؤثری از سوی ایران برای اثبات حسن نیت برداشته شد؛ ولی تغییری در شرایط کشور ایجاد نشد و کماکان، با وجود پذیرفتن ۳۹ بند از مجموع ۴۱ بند، ایران در لیست سیاه **FATF** باقی مانده است. جریان غرب‌گرا و موافقان **FATF**، پس از شکست برجام و حتی قبل از خروج کامل آمریکا از آن، وقتی مشاهده کردند که خروجی برجام «تقریباً هیچ» بوده است، تلاش کردند تا ماجرای **FATF** را به‌عنوان بهانه‌ای برای فرار از پاسخگویی در قبال رؤیافروشی‌های خود به مردم مطرح کنند. این اتفاق حتی تا اواخر عمر دولت دوم حسن روحانی هم ادامه داشت؛ جایی که علی ربیعی، سخنگوی دولت دوازدهم، مدعی شده بود که تحریم و **FATF** مانع ورود واکسن کرونا برای کشور شده‌اند. با اتمام دولت روحانی و استقرار دولت شهید رئیسی، کذب بودن ادعای دولت غرب‌گرا اثبات شد. با شهادت آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی و استقرار دولت چهاردهم که از منشأ فکری مشترکی با دولت حسن روحانی برخوردار بود، برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌ها، موضوع **FATF** دوباره مطرح شد. فشارهای دولت و بهانه‌تراشی‌های آن، در کنار وضعیت بد اقتصادی حاصل از سوءمدیریت‌های تیم اقتصادی دولت چهاردهم، سبب شد تا مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴، پیوستن به لایحه پالرمو را علی‌رغم تمام انتقادات تصویب کند. کمتر از یک ماه بعد و هم‌زمان با شروع جنگ ۱۲روزه، گروه ویژه اقدام مالی تصمیم به تشدید فشارها علیه کشور ما گرفت. با وجود اتفاق تلخ قبلی و به دلیل اینکه زیست سیاسی عده‌ای در گرو مذاکره کردن و وابستگی به غرب است، این عده که از قضا گروه حاکم بر قوه مجریه در دولت چهاردهم بودند، بار دیگر در ۹ مهرماه ۱۴۰۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام را وادار به تصویب پیوستن به آخرین کنوانسیون باقی‌مانده، یعنی **CFT** کردند.

حالا پس از گذشت ۱۳ ماه از پیوستن به آخرین لایحه گروه ویژه اقدام مالی، این نهاد با تصمیم خود مبنی بر باقی ماندن ایران در لیست سیاه و تأکید بر تشدید نظارت‌ها، بار دیگر باطل و پوچ بودن ادعاهای سیاستمداران غرب‌گرای ایران را در مورد تأثیر اثبات حسن نیت به مجامع بین‌المللی نشان داد. جالب است که خود این نهاد در بیانیه خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران گام‌های مثبتی در جهت تحقق اهداف آن برداشته است؛ ولی تمام این اقدامات و تعهدات طرف ایرانی با باقی ماندن کشور در لیست سیاه، تأکید بر تشدید نظارت‌ها و البته تشکر بابت افزایش تعهدات و اقدامات ایران همراه بوده است.

ادعای عجیب وزارت اقتصاد: ایران مقصر است!

با وجود تمام نکات بیان‌شده و سیری که نشان از یک‌طرفه بودن این ارتباط و تعهدات صورت‌گرفته دارد، هنوز عده‌ای در داخل کشور وجود دارند که نمی‌خواهند چشمانشان را به روی واقعیت‌های موجود باز کنند. گزارش مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی، نمونه‌ای از این رویکرد است که حاضر نیست حتی برای لحظه‌ای دشمنی غرب و نهادهای تحت تأسیس آن را بپذیرد. این مرکز زیرمجموعه وزارت اقتصاد، دیروز (۹ آبان ۱۴۰۵)، تنها یک روز پس از اقدام **FATF** علیه کشورمان و با دلخوش کردن به تشکر این نهاد از اقدامات صورت‌گرفته توسط ایران، در متنی ساده لوحانه نوشت که باقی ماندن ایران در لیست سیاه توسط این نهاد غربی را باید به تصمیمات و رفتارهای داخلی نسبت داد! گویا عده‌ای در وزارت اقتصاد دولت مسعود پزشکیان همچنان در خواب به سر می‌برند و انگار غرب هیچ اشتباهی نمی‌کند.

براتی: ادعای خروج از لیست سیاه بی‌پشتوانه بود

مسعود براتی، کارشناس حوزه اقتصادی و بین‌المللی، در گفت‌وگو با نوبنیاد در مورد نشست اخیر گروه ویژه اقدام مالی (**FATF**) و قرار گرفتن ایران در لیست سیاه، گفت: بیانیه پایانی **FATF** درباره ایران نیز تقریباً متن مشابه متن‌های نشست‌های قبلی این نهاد است و فقط تغییرات جزئی در آن صورت گرفته است؛ اما هیچ‌کدام از اقداماتی که ایران انجام داده، مورد پذیرش **FATF** قرار نگرفته است. او افزود: این وضعیت متأسفانه ناشی از فهم غلط دولت از مسئله **FATF** و تصمیمات اشتباهی است که اتخاذ شده و شرایط را گام به گام پیچیده‌تر هم کرده است. سال گذشته، دولت بعد از اینکه با فضاسازی و جوی که درباره خروج ایران از فهرست سیاه **FATF** ایجاد کرد، توانست مجمع تشخیص مصلحت نظام را به این تصمیم برساند که معاهده پالرمو و **CFT** را تصویب کند.

این دو معاهده از سال ۹۷ در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود و دو بار بررسی و کنار گذاشته شد، اما برای بار سوم با اصرار رئیس جمهور و نامه‌نگاری و اخذ اجازه از رهبر شهید، دوباره در مجمع مطرح شد و با وفاقی که در فضای مسئولان ارشد کشور وجود داشت، به تصویب رسید. این کارشناس تأکید کرد: ادعای دولت بر اساس ادعاهای مرکز اطلاعات مالی این بود که با تصویب دو معاهده، مسیر برای خروج ایران از فهرست سیاه هموار می‌شود. اکنون با گذشت بیش از ۱.۵ سال از تصویب پالرمو و یک سال از تصویب معاهده **CFT**، می‌بینیم که این ادعاها اشتباه و بدون پشتوانه بود و متأسفانه فقط برای کشور هزینه ایجاد کرد.

FATF هیچ اقدامی را نپذیرفت

براتی تصریح کرد: اکنون **FATF** مطالبه اجرای این دو معاهده را دارد. این واقعاً یک اشتباه راهبردی بود که دولت انجام داد و امروز باید پاسخگو باشد. به نظر نمی‌رسد که افق روشنی برای وضعیت **FATF** بتوان تصور کرد، خصوصاً تا زمانی که این نگاه غلط حاکم باشد؛ نگاهی که فقط به این فکر می‌کند که امتیازی به **FATF** بدهد و زمان بخرد. برای مثال، بیانیه‌ای که مرکز اطلاعات مالی درباره نشست اخیر **FATF** منتشر کرد، حاوی گزاره‌ها و ادعاهای بدون سند است. مثلاً در بیانیه عنوان شد که ما پیشرفت داشتیم و این را **FATF** در بیانیه تأیید کرد؛ در صورتی که در متن بیانیه **FATF** هیچ جمله‌ای که نشان بدهد وضعیت ایران بهتر یا تغییر مثبتی حاصل شده است، نمی‌بینید و وضعیت ایران بدون تغییر مانده است.

نوبنیاد تاخت‌وتاز قیمت‌ها در بازار خودرو را بررسی کرد؛

خودرو در مسیر گرانی؛ خبری از وزارت صمت نیست

بازار خودرو بار دیگر به صحنه تاخت‌وتاز قیمت‌ها تبدیل شده است؛ بازاری که در آن قیمت خودروها با سرعتی عجیب افزایش پیدا می‌کند، در حالی که قدرت خرید مردم هر روز کمتر می‌شود. نکته قابل تأمل اینجاست که گرانی خودرو در شرایطی ادامه دارد که نه‌تنها بازار از رونق معاملات برخوردار نیست، بلکه قدرت خرید خانوارها (مصرف‌کنندگان) نیز به‌شدت کاهش یافته است. این وضعیت در حالی شکل گرفته که سیاست‌های وارداتی، قیمت‌گذاری و حمایت از تولید داخل با ابهام و تغییرات متعدد همراه است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی عملکرد وزارت صمت، میزان تولید خودروسازان است. آمار تولید خودروهای سواری در نیمه نخست امسال نشان می‌دهد این بخش با افت قابل توجهی مواجه بوده است. براساس آمارنامه تجمیعی شهریورماه وزارت صمت، تولید خودروهای سواری در ۶ ماه نخست سال جاری به ۲۹۶ هزار و ۴۰۹ دستگاه رسیده، در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۴۶۱ هزار و ۹۵۵ دستگاه بود. به این ترتیب، تولید خودروهای سواری حدود ۳۵.۸ درصد کاهش یافته و بیش از ۱۶۵ هزار دستگاه از تیراژ تولید کاسته شده است. وضعیت در بخش خودروسازان خصوصی نیز نگران‌کننده‌تر است. تولید این شرکت‌ها از ۹۰ هزار و ۲۸۹ دستگاه در ۶ ماهه نخست سال گذشته به ۳۶ هزار و ۴۹۴ دستگاه در مدت مشابه امسال رسیده که نشان‌دهنده افت ۵۳ درصدی است. هرچند مشکلات تأمین ارز، قطعات، مواد اولیه و محدودیت‌های ناشی از تحریم در کاهش تولید مؤثر هستند، اما پرسش اینجاست که وزارت صمت برای مدیریت این موانع و جلوگیری از افت تیراژ چه برنامه‌ای داشته است؟

جهش‌های چندصد میلیونی در یک ماه

بررسی قیمت‌ها در بازار آزاد خودرو در روز شنبه ۹ آبان‌ماه (دیروز) نشان می‌دهد در بازار محصولات ایران‌خودرو، پژو ۲۰۷ دنده‌ای به حدود ۲ میلیارد و ۷۷۰ میلیون تومان و تارا دنده‌ای به ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان رسیده‌اند. قیمت رانا پلاس نیز حدود ۲ میلیارد و ۳۸۵ میلیون تومان اعلام شد. در این میان، دنا پلاس اتوماتیک با قیمت ۴ میلیارد و ۱۵۵ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است؛ خودرویی که تنها از ابتدای مهرماه تاکنون ۸۲۵ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است. سورن پلاس دوگانه‌سوز با کپسول بزرگ نیز به ۲ میلیارد و ۹۷۰ میلیون تومان رسیده و در یک هفته گذشته حدود ۷۰ میلیون تومان گران‌تر شده است. قیمت آریسان ۲ نیز با افزایش ۴۰ میلیون تومانی از ابتدای آبان، به ۲ میلیارد و ۹۰ میلیون تومان رسیده است.

در گروه محصولات سایپا نیز اطلس **G** حدود ۲ میلیارد و ۵۵ میلیون تومان قیمت دارد، شاهین اتوماتیک به ۳ میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان رسیده و کوییک **S** با قیمت یک میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان در بازار عرضه می‌شود. ساینا **S** نیز در محدوده یک میلیارد و ۷۲۵ میلیون تومان قرار گرفته است. این در حالی است که قیمت ساینا **S** در یک ماه گذشته حدود ۳۲۶ میلیون تومان افزایش یافته و کوییک **S** نیز تنها طی یک هفته حدود ۵۰ میلیون تومان گران‌تر شده است.

قیمت هایما **S7** پرواز از ابتدای مهرماه تاکنون حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان افزایش یافته و به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسیده است. جک **J4** نیز طی یک هفته حدود ۱۷۰ میلیون تومان گران شد و در محدوده ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قرار گرفت. تیگو ۸ پرو مکس نیز با افزایش ۸۰۰ میلیون تومانی طی سه روز، به حدود ۱۲ میلیارد تومان رسیده است. یکی دیگر از نشانه‌های نابسامانی بازار خودرو، فاصله قابل توجه قیمت کارخانه و بازار آزاد است. برای نمونه، قیمت کارخانه‌ای دنا پلاس اتوماتیک ۲ میلیارد و ۶۱۱ میلیون تومان است، اما در بازار آزاد ۴ میلیارد و ۱۵۵ میلیون تومان عرضه می‌شود؛ یعنی اختلاف قیمت این خودرو به یک میلیارد و ۵۴۴ میلیون تومان رسیده است. در مورد تارا دستی نیز فاصله قیمت بازار و کارخانه بیش از یک میلیارد تومان است. از سوی دیگر، انتشار خبر درخواست افزایش ۵۰ درصدی قیمت محصولات ایران‌خودرو نیز بر نگرانی‌های بازار افزوده است. اگر چنین درخواستی به افزایش مجدد قیمت کارخانه منجر شود، این احتمال وجود دارد که موج تازه‌ای از انتظارات افزایشی در بازار شکل بگیرد.

دلگرمی به خودروساز یا پاسخ به مطالبات مردم؟

جهش شدید قیمت‌ها در حالی است که مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، در روز پنجشنبه هفته گذشته (۷ آبان) از گروه خودروسازی سایپا بازدید کرد. او در این بازدید با تأکید بر ضرورت ارتقای کیفیت و استفاده از فناوری‌های روز گفت: «طبیعتاً باید با ارتقای مستمر کیفیت، جلب رضایت مشتریان و عرضه محصولات با قیمت مناسب و مقرون به صرفه، زمینه رقابت‌پذیری صنعت خودروسازی را فراهم کنیم. برای رسیدن به این نقطه، کافی است هر روز یک گام در جهت بهبود برداریم، کاستی‌ها را شناسایی کنیم و عملکرد خود را اصلاح کنیم.»

بدون تردید توجه رئیس جمهور به صنعت خودرو و ضرورت ارتقای کیفیت و فناوری اهمیت دارد، اما مسئله اینجاست که مردم در شرایط کنونی بیش از بازدیدهای تشریفاتی، منتظر مشاهده نتایج ملموس در بازار هستند. سایپا با تعهدات انجام‌نشده، مطالبات مشتریان، انتقادها از کیفیت محصولات و قیمت‌های رو به افزایش مواجه است. با این حال، بازدید رئیس جمهور از خطوط تولید باید تغییری در وضعیت مشتریانی ایجاد کند که ماه‌ها در انتظار تحویل خودرو مانده‌اند؛ البته بازدید رئیس دولت چهاردهم به نوعی دلگرمی دادن به خودروسازان است تا مردم.

بازار خودرو به دلالان واگذار شده است

علیرضا سلیمی، عضو هیأت‌رئیسه مجلس، با اشاره به وضعیت واردات و کاهش تیراژ تولید خودروسازان داخلی، می‌گوید: «امروز تیراژ خودروسازی‌های داخلی پایین آمده و مصاحبه‌ها نیز به وضعیت آشفته بازار دامن می‌زنند و نتیجه آن افزایش ناگهانی قیمت خودروهایی همچون دنا تا چهار میلیارد تومان است؛ در حالی که قیمت آن یک سال و نیم گذشته ۷۰۰ میلیون تومان بود.»

اردوان اکبرپور، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، نیز گفت: «وزارت صمت مسئولیت تنظیم و نظارت بر این بازار را برعهده دارد و باید در برابر هرگونه افزایش نرخ غیرمتعارف و قیمت‌سازی‌ها محکم بایستد. واگذاری بازار به دلالان و توجیه افزایش قیمت‌ها با شرایط تحریم، نمی‌تواند جایگزین نظارت و پاسخگویی این وزارتخانه شود.»

فضل‌الله زنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، نیز با انتقاد از افزایش قیمت محصولات ایران‌خودرو اظهار کرد: «مسئولان جلوی گران‌سازی خودروها در ایران‌خودرو را بگیرند. ایران‌خودرو هم در سال جاری و هم سال گذشته به‌شدت عامل گرانی خودروها بوده است.» او با طرح این پرسش که چرا کسی در برابر افزایش قیمت‌ها پاسخگو نیست، گفت: «مگر در سال چند بار باید قیمت خودرو گران‌تر شود؟ چرا کسی پاسخگو نیست؟ چرا کسی جلوی گران‌فروشی در ایران‌خودرو را نمی‌گیرد؟»

جهش ۱۴۹.۳ درصدی قیمت خودرو در یک سال

افزایش قیمت خودرو تنها در فهرست قیمت‌های بازار قابل مشاهده نیست و آمارهای رسمی مرکز آمار ایران نیز از تشدید فشار تورمی در این بخش حکایت دارد. بر اساس آمار، تورم ماهانه، نقطه‌به‌نقطه و سالانه در مهرماه امسال به ترتیب ۱۰.۷، ۱۲۸ و ۸۵.۹ درصد ثبت شده است. تورم ماهانه خرید وسایل نقلیه در مهرماه به ۱۴.۵ درصد رسیده، در حالی که این رقم در شهریورماه ۱۱.۴ درصد بود. تورم نقطه‌به‌نقطه خرید وسایل نقلیه نیز به ۱۴۹.۳ درصد و تورم سالانه آن به ۹۸.۲ درصد افزایش یافته است.

آنچه از مجموع وضعیت بازار خودرو پیداست، نبود یک برنامه منسجم و قابل‌سنجش برای مدیریت هم‌زمان تولید، واردات و قیمت‌گذاری است. افزایش تعرفه واردات، ابهام در تخصیص ارز، تغییرات مکرر مقررات و اختلاف نظر دستگاه‌های مسئول، در کنار افت تولید خودروسازان، شرایطی ایجاد کرده که مصرف‌کننده (مردم) بیش از گذشته در معرض افزایش قیمت‌ها قرار گرفته است.

وزارت صمت برنامه‌ای برای صنعت خودرو ندارد

سعید مدنی، مدیرعامل اسبق گروه خودروسازی سایپا، می‌گوید: «به نظر می‌رسد صنعت خودرو و به‌طور کلی سیاست‌های مربوط به تولید و واردات، فاقد یک برنامه‌ریزی مدون و مشخص است. ما برنامه روشنی از سوی وزارت صمت مشاهده نکرده‌ایم که به‌صورت رسمی تدوین و ابلاغ شده باشد و خودروسازان داخلی، شرکت‌های مونتاژکار و واردکنندگان بر اساس آن فعالیت کنند. وقتی برنامه‌ریزی مشخصی وجود نداشته باشد، طبیعی است که بازار با تلاطم مواجه شود و قیمت‌ها نیز تحت‌تأثیر تصمیمات مختلف قرار بگیرند.»

نبض اقتصاد

آمریکایی‌ها زیر فشار موج تازه گرانی انرژی

افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی در آمریکا، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و سیاسی دولت دونالد ترامپ تبدیل شده است؛ به‌طوری که قیمت بنزین در این کشور طی یک سال گذشته ۳۴.۲ درصد و قیمت سوخت گرمایشی ۷۴.۲ درصد افزایش یافته است. براساس داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا در ۱۴ اکتبر، سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در این کشور طی ۱۲ ماه گذشته ۳.۷ درصد افزایش داشته است؛ با این حال، رشد قیمت انرژی به‌مراتب بیشتر از تورم عمومی بوده و فشار قابل توجهی بر هزینه زندگی خانوارهای آمریکایی وارد کرده است. اختلال در تجارت جهانی نفت و گاز در پی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، از عوامل اصلی افزایش هزینه حامل‌های انرژی در آمریکا عنوان شده است.

بررسی داده‌های انجمن خودروی آمریکا (**AAA**) نشان می‌دهد میانگین قیمت بنزین در این کشور در روزهای پایانی اکتبر به سطحی رسیده است که از بالاترین قیمت ثبت‌شده در دوران ریاست جمهوری جو بایدن نیز فراتر رفته است. این مسئله برای دولت ترامپ اهمیت سیاسی ویژه‌ای دارد؛ چراکه یکی از محورهای اصلی تبلیغات اقتصادی او، کاهش هزینه زندگی و بهبود وضعیت معیشتی خانوارهای آمریکایی بوده است. افزایش ۳۴.۲ درصدی قیمت بنزین و جهش ۷۴.۲ درصدی قیمت سوخت گرمایشی، به‌ویژه برای خانوارهایی که در فصل سرد سال برای گرمایش منازل خود به سوخت‌های نفتی وابسته‌اند، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند. افزایش هزینه انرژی همچنین می‌تواند از طریق حمل‌ونقل، تولید و توزیع کالاها به سایر بخش‌های اقتصاد منتقل شود و قدرت خرید مصرف‌کنندگان را کاهش دهد. در واقع، اگر رشد دستمزدها از افزایش قیمت‌ها عقب بماند، خانوارها حتی بدون کاهش اسمی درآمد خود نیز با افت قدرت خرید مواجه خواهند شد. به همین دلیل، افزایش قیمت انرژی می‌تواند از نگاه مصرف‌کنندگان آمریکایی به معنای کاهش واقعی درآمد و فشار بیشتر بر بودجه خانوار باشد.

در کنار افزایش قیمت سوخت، بی‌ثباتی سیاست‌گذاری انرژی در آمریکا نیز به یکی از نگرانی‌های سرمایه‌گذاران تبدیل شده است. شورای آتلانتیک در گزارشی درباره سیاست انرژی آمریکا هشدار داده است که «بی‌ثباتی سیاسی به یک هزینه انرژی تبدیل شده است». به این معنا که تغییر دولت‌ها و کنار گذاشتن سیاست‌های دولت قبلی می‌تواند برنامه‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی را با اختلال مواجه کند. شورای آتلانتیک تأکید کرده است که آمریکا به چیزی فراتر از شعار «استفاده از همه منابع انرژی» نیاز دارد و باید چارچوبی پایدار برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند؛ چارچوبی که به‌جای ترجیحات سیاسی، عملکرد و بهره‌وری انرژی را مبنای حمایت قرار دهد. افزایش قیمت بنزین و سوخت گرمایشی در شرایطی به مسئله‌ای انتخاباتی تبدیل شده است که ترامپ همواره عملکرد اقتصادی و وضعیت بازارهای مالی را از مهم‌ترین دستاوردهای دولت خود معرفی کرده است.

اکنون افزایش هزینه انرژی در پی جنگ ایران می‌تواند این تصویر را تحت تأثیر قرار دهد. برای رأی‌دهنده آمریکایی، افزایش قیمت بنزین و هزینه گرمایش خانه، مسئله‌ای ملموس‌تر از بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی است و مستقیماً در بودجه ماهانه خانوار منعکس می‌شود. از این منظر، انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره تنها آزمونی برای سیاست‌های داخلی ترامپ نیست، بلکه می‌تواند میزان تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی و بازارهای جهانی انرژی بر سیاست داخلی آمریکا را نیز آشکار کند. تجربه افزایش قیمت انرژی نشان می‌دهد حتی بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان نیز نمی‌توانند خود را به‌طور کامل از شوک‌های بازار جهانی مصون نگه دارند. تنوع بخشی به سبد انرژی، توسعه منابع جایگزین و ایجاد سیاست‌های باثبات برای سرمایه‌گذاری، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصادها را در برابر این شوک‌ها کاهش دهد. با این حال، در کوتاه‌مدت، افزایش هزینه سوخت می‌تواند به یکی از مهم‌ترین عوامل نارضایتی اقتصادی رأی‌دهندگان آمریکایی تبدیل شود؛ عاملی که در آستانه انتخابات، هزینه سیاسی جنگ را برای دولت ترامپ افزایش می‌دهد.

یادداشت

اروپا در محاصره خیابان‌ها

حسین عبداللهی
روزنامه‌نگار

فرانسه بار دیگر در آستانه یک شنبه ملتهب قرار گرفته است. دیروز، ۳۱ اکتبر، در حالی که پایتخت این کشور همزمان با جشن هالووین آماده برگزاری تجمعات اعتراضی می‌شد، دولت امانوئل مکرون تدابیر امنیتی گسترده‌ای را به اجرا گذاشت. طبق اعلام وزارت کشور فرانسه، حدود ۷۰ هزار نیروی پلیس و ژاندارمری در سراسر کشور مستقر شدند تا از گسترش ناآرامی‌ها جلوگیری کنند. تعطیلی بیش از ۴۰ ایستگاه مترو پاریس، محدودیت فعالیت خطوط تراموا و اعمال مقررات منع رفت‌وآمد شبانه در مناطق جمهوری و شاتله نیز بخشی از این تدابیر است. حتی مسیر برخی تجمعات در مرکز پاریس ممنوع شده و مقامات تلاش کرده‌اند راهپیمایی‌ها را به مناطق بیرونی شهر هدایت کنند.

این سطح از آماده‌باش امنیتی در شرایطی اتخاذ شده که اعتراضات فرانسه دیگر یک تجمع محدود صنفی یا دانش‌آموزی نیست. موج نخست اعتراضات در ۱۷ اکتبر با حضور حدود ۵۵۰ هزار نفر در سراسر کشور همراه شد و به درگیری، تخریب اموال عمومی و غارت برخی فروشگاه‌ها انجامید. هفته بعد نیز بنا بر آمار وزارت کشور، حدود ۴۱۰ هزار نفر به خیابان‌ها آمدند. اکنون در سومین هفته متوالی، اعتراض به گرانی، هزینه‌های زندگی، وضعیت نامناسب نظام آموزشی و نابرابری اجتماعی به محور اصلی تجمعات تبدیل شده است. ائتلافی از اتحادیه‌های کارگری، دانشجویان، دانش‌آموزان و فعالان جنبش جلیقه‌زردها در این اعتراضات حضور دارند.

اما آنچه اهمیت این تحولات را دوچندان می‌کند، محدود نماندن اعتراضات به فرانسه است. ایتالیا روز جمعه شاهد اعتصاب عمومی و تجمعات گسترده در بیش از ۴۰ شهر بود. هزاران کارگر و دانشجو در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی، دستمزدها، ضعف خدمات عمومی و افزایش هزینه‌های نظامی به خیابان آمدند. در رم، میلان، تورین و بولونیا تجمعات بزرگی شکل گرفت و در برخی مناطق نیز درگیری‌هایی میان معترضان و نیروهای پلیس گزارش شد. همزمان، اعتراضات در اسپانیا نیز ادامه دارد و پلیس بارسلون در پی فراخوان‌های منتشرشده در فضای مجازی برای تجمعات شب هالووین در حالت آماده‌باش قرار گرفته است. در آلمان نیز فراخوان‌های اعتراضی با محوریت وضعیت آموزش، خدمات درمانی، هزینه‌های زندگی و مخالفت با سربازی اجباری منتشر شده است.

نکته مهم در این میان، پیوند خوردن اعتراضات پراکنده با یک نارضایتی عمومی از وضعیت اقتصادی و عملکرد دولت‌هاست. افزایش هزینه مسکن، انرژی و مواد غذایی، فشار بر طبقات متوسط و فرودست و نگرانی از آینده خدمات عمومی، شکاف میان وعده‌های رفاهی دولت‌های اروپایی و واقعیت زندگی شهروندان را آشکارتر کرده است.

اروپایی که در مسائل بین‌المللی بارها برای دیگر کشورها نسخه ثبات، آزادی و رفاه پیچیده است، اکنون باید به مطالبات شهروندان خود پاسخ دهد. تعطیلی ایستگاه‌های مترو، استقرار ده‌ها هزار نیروی امنیتی و محدود کردن رفت‌وآمد در پایتخت‌های اروپایی، جای پاسخگویی اقتصادی و اجتماعی را نمی‌گیرد. خیابان‌های اروپا این روزها آینه‌ای از بحران‌هایی هستند که دیگر نمی‌توان آنها را صرفاً ناآرامی‌های مقطعی و گذرا نامید.

بین الملل

محسن رضایی: اروپا باید تاوان حمایت از جنگ علیه ایران را بدهد



سرلشکر محسن رضایی در واکنش به پیامدهای اقتصادی جنگ علیه ایران و نگرانی کشورهای اروپایی از هزینه‌های آن، با انتقاد از مواضع دولت‌های اروپایی در حمایت از رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که این کشورها اکنون با تبعات سیاست‌های خود مواجه شده‌اند.

رضایی در پیامی با اشاره به حمایت اروپایی‌ها از اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی نوشت:«همین دیروز، اروپا به کثیف‌کاری‌های رژیم صهیونیستی افتخار می‌کرد، اما امروز از میلیاردها دلاری که جنگ با ایران برایش هزینه تراشیده، به فغان آمده است.»

وی در ادامه با انتقاد از حمایت اروپا از اقدامات نظامی و جنایات جنگی رژیم صهیونیستی افزود:«وقتی برای جنایات جنگی هورا می‌کشیدید، فکرش را هم نمی‌کردید که تبعاتش دامن شما را هم بگیرد؟»

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پایان تأکید کرد:«جنگ و ترور تاوان دارد؛ حالا نوبت شماست که تاوان پس بدهید.»

دوحه برای بازکردن گره کار واشنگتن دوباره وارد میدان شد

بازهم قطر مامور نجات امریکا



در شرایطی که آمریکا بارها نشان داده مذاکره برایش نه راه‌حل اختلافات، بلکه ابزاری برای مدیریت طرف مقابل، خرید زمان و حتی زمینه‌سازی تجاوز نظامی است، بار دیگر صدای نسخه‌پیچی جریان غرب‌گرا برای مذاکره با واشنگتن بلند شده است. از روزنامه جمهوری اسلامی و حسین موسویان گرفته تا عباس آخوندی، عده‌ای چنان برای پذیرش پیشنهاد جی‌دی ونس عجله دارند که گویی نه برجامی وجود داشته، نه حمله‌ای در میانه مذاکرات رخ داده و نه تفاهم‌نامه اسلام‌آباد با بدعهدی آمریکا به سرانجام رسیده است. ظاهراً حافظه تاریخی این جماعت، هر بار که پای مذاکره با آمریکا به میان می‌آید، به‌طور کامل پاک می‌شود!

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

بار دیگر قطر نقش واسطه انتقال پیام‌های واشنگتن را برعهده گرفته است. نقشی که در شرایط فعلی می‌تواند به آمریکا برای مدیریت فشارهای سیاسی و نظامی و باز کردن مسیر خروج از وضعیت پرهزینه جنگ و به دست آوردن دستاورد در انتخابات پیش روی آمریکا کمک کند.

عراقچی نیز در تازه‌ترین موضع‌گیری خود تلاش طرف آمریکایی برای گشودن فضای گسترده‌تر گفت‌وگو و تفاهم را گامی مثبت توصیف کرده و گفته است اگر آمریکا با شروط ایران موافقت کند، تهران درباره مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات تصمیم خواهد گرفت. وی حتی گفته است در مرحله کنونی، به پیشنهادی دست یافته‌ایم که مدت اجرای تفاهم مورد پیشنهاد تهران را از پنج روز به دو روز کاهش داده است. این موضع گیری در شرایطی است که تنها سه روز دیگر تا انتخابات آمریکا باقی مانده و وزیر امور خارجه دولت پزشکیان با اظهارات خود به کمک رئیس جمهور قاتل و نامحبوب آمریکا آمده است.

در داخل کشور نیز عده‌ای برای پذیرش پیشنهاد ونس صف کشیده‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی، حسین موسویان و عباس آخوندی از جمله کسانی هستند که بر ضرورت استقبال از این پیشنهاد تأکید کرده‌اند. موسویان می‌گوید: «بهتر است تهران از پیشنهاد ونس استقبال کند، چون او از ابتدا با جنگ علیه ایران مخالف بود و تلاش زیادی برای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد کرد.» اما مگر سیاست خارجی آمریکا را جی‌دی ونس تعیین می‌کند و مخالفت یک معاون رئیس جمهور با جنگ، تضمینی برای توقف ماشین جنگی واشنگتن است؟

مسئله اصلی، فراموشی تاریخی است. هنوز تجربه برجام پیش چشم ماست. توافقی که آمریکا به‌راحتی از آن خارج شد و امضای رئیس جمهور وقت این کشور نیز نتوانست مانع زیر پا گذاشتن تعهدات واشنگتن شود. اما ماجرا به برجام محدود نیست. در جنگ ۱۲ روزه، زمانی که عراقچی از پیشرفت مذاکرات و فضای مثبت گفت‌وگوها سخن می‌گفت، درست در میانه همان خوش‌بینی‌ها، رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا حمله به ایران را آغاز کرد و واشنگتن نیز به‌طور مستقیم وارد جنگ شد.

در جنگ ۴۰ روزه نیز ماجرا تکرار شد. به روایت عراقچی، یکی از بهترین و جدی‌ترین ادوار مذاکرات در جریان بود، اما پاسخ آمریکا به مسیر دیپلماسی، بار دیگر حمله نظامی بود. حمله‌ای که به شهادت رهبر کبیر انقلاب انجامید. سه تجربه مذاکره و جنگ، آن‌قدر روشن است که دیگر نمی‌توان با ادبیات خوش‌بینانه و وعده‌های دیپلماتیک، واقعیت رفتار آمریکا را نادیده گرفت.

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز نمونه دیگری از همین خوش‌بینی بود. توافقی که در شرایطی دنبال شد که آمریکا با اهدافی از جمله تغییر حاکمیت، ایجاد آشوب و تضعیف ایران وارد میدان شده بود. با این حال، برخی چنان به وعده‌های واشنگتن دل بسته بودند که از سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری، لغو همه تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده و بازسازی اقتصاد ایران سخن می‌گفتند.

اما سرانجام نه آن وعده‌های بزرگ محقق شد و نه آمریکا به تعهداتش پایبند ماند. ترامپ حتی صراحتاً اعلام کرد که اساساً این تفاهم را قبول نداشته است. با این وجود، هنوز عده‌ای از این تفاهم‌نامه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای کشور یاد می‌کنند.

جولان منطق «بدیم بره»

عجیب‌تر آنکه روزنامه جمهوری اسلامی نیز نوشته است: «پاسخ مثبت به پیشنهاد گفت‌وگو و انجام دیدار در روزهای آینده، از نظر تاکتیکی و راهبردی اهمیت دارد و می‌تواند فرصتی برای جلوگیری از حمله مجدد آمریکا یا دشوارتر کردن توجیه و اجرای آن فراهم کند.» مشخص نیست اگر قرار بود صرفاً با مذاکره و دادن امتیاز، بهانه از دست واشنگتن گرفته شود، پس چرا این همه تجربه تلخ در کارنامه روابط ایران و آمریکا ثبت شده است. واقعیت آن است که آمریکا برای حمله به ایران بهانه می‌سازد و هرگاه منافعش اقتضا کند، حتی در میانه مذاکرات نیز دست به تجاوز می‌زند. در این میان، عباس آخوندی نیز خواستار آن شده که رئیس جمهور شخصاً و بدون تفویض به هیچ ارگان، نهاد یا فرد دیگری، پیشنهاد ونس را بپذیرد و پیش ببرد. اینکه یک فرد سیاسی برای چنین موضوع راهبردی، نسخه‌ای می‌پیچد که عملاً دیگر نهادها و سازوکارهای تصمیم‌گیری کشور را به حاشیه می‌راند، محل تأمل جدی است. مسائل مرتبط با امنیت ملی و مذاکره با دشمن، موضوع تصمیم شخصی و توصیه‌های فردی نیست که غرب‌گرایان بخواهند برای ساختار تصمیم‌گیری کشور خط‌کشی کنند.

دلسوزتر از مادر برای ترامپ!

تنها چند روز تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در سوم نوامبر باقی مانده و ترامپ به‌شدت به دنبال دستاوردسازی برای عبور از این مقطع سیاسی است. در چنین شرایطی، هرگونه مذاکره شتاب‌زده می‌تواند به ابزاری برای تبلیغات انتخاباتی کاخ سفید تبدیل شود. واشنگتن امتیاز مورد نیاز خود را دریافت می‌کند، فضای سیاسی و اقتصادی را به نفع خود مدیریت می‌کند و پس از انتخابات، چه‌بسا بار دیگر زیر میز توافق بزند یا با تشدید فشار و حمله نظامی، ایران را در برابر یک واقعیت جدید قرار دهد. در این سناریو، آمریکا دستاورد تبلیغاتی و راهبردی خود را کسب کرده و این ایران است که بار دیگر باید هزینه اعتماد به وعده‌های واشنگتن را بپردازد.

حتی فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، نیز در اظهارات اخیر خود در شهر مارسبرگ اذعان کرده است که «استراتژی ایالات متحده برای خروج از جنگ با ایران نامشخص است». وقتی متحد اروپایی واشنگتن هم از فقدان راهبرد روشن آمریکا برای پایان دادن به جنگ سخن می‌گوید، برخی در داخل کشور همچنان به وعده‌های دیپلماتیک ترامپ دل خوش کرده‌اند و برای به نتیجه رسیدن میانجی‌گری‌های فریبکارانه مشتاق‌اند!

تکرار تلخ تاریخ

تنها چند روز تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در سوم نوامبر باقی مانده و ترامپ به‌شدت به دنبال دستاوردسازی برای عبور از این مقطع سیاسی است. در چنین شرایطی، هرگونه مذاکره شتاب‌زده می‌تواند به ابزاری برای تبلیغات انتخاباتی کاخ سفید تبدیل شود. واشنگتن امتیاز مورد نیاز خود را دریافت می‌کند، فضای سیاسی و اقتصادی را به نفع خود مدیریت می‌کند و پس از انتخابات، چه‌بسا بار دیگر زیر میز توافق بزند یا با تشدید فشار و حمله نظامی، ایران را در برابر یک واقعیت جدید قرار دهد.

«بازدارندگی اتمی» می‌تواند پرونده جریانی را ببندد که منافع کشور را طعمه قدرت سیاسی خود کرده است

پایان دکان دونبش مذاکره و برجام

در هفته‌های گذشته سیل درخواست‌ها و مطالبات برای حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای و ایجاد بازدارندگی اتمی به‌شدت افزایش یافته است. پس از آنکه تقریباً همه آنچه سال‌ها با ادعای جلوگیری از آن، ایران را از ساخت بمب می‌ترساندند ـ از جنگ و تحریم تا حمله و ترور ـ بر سر کشور آمد، اکنون مخالفان بازدارندگی هسته‌ای با پرسشی اساسی روبه‌رو هستند: خویشتنداری دقیقاً چه امنیتی برای ایران خرید؟



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

در شرایطی که ادبیات بازدارندگی هسته‌ای به‌خصوص پس از جنگ اوکراین و جنگ ایران در محافل جهانی و حتی آمریکایی روابط بین‌الملل پررنگ‌تر شده، جریان اصلاح‌طلب به شکلی مضحک می‌کوشد هم از نظر علمی بی‌تأثیری سلاح هسته‌ای را اثبات کند و هم با تمسک به فتوای رهبر شهید، حرمت آن را حکمی ابدی و غیرقابل بازنگری معرفی کند.

جواد اطاعت، نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم، گفته بود: «اگر لازم باشد هسته‌ای را تعطیل کن، برای حفظ نظام؛ وقتی می‌شود نماز و امام زمان را در شرایط خاص کنار گذاشت، چرا هسته‌ای را کنار نگذاریم؟» وی در حالی مدعی عبور از نماز و امام زمان است که اصلاح‌طلبان امروز مدافع عدم تغییر فتوای رهبر شهید بنابر اقتضائات فقه پویا هستند. حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، نیز قبلا گفته بود: «اگر شما به ما بمب اتمی هدیه می‌دادید ما آن را به شما پس می‌دادیم.» اما هنگامی که حدود ۷۰ تا ۷۱ نماینده مجلس با توجه به تغییر شرایط امنیتی خواستار بازنگری در دکترین هسته‌ای شدند، آشنا که سابقه توهین به رهبری شهید را نیز در کارنامه دارد در واکنش نوشت: «خدایا بر عقل برخی اعضای مجلس بیفزا.» در همین خط، انصاف‌نیوز که سابقه مصاحبه و ارتباط با اولی نوی افسر واحد ۸۲۰۰ اسرائیل را دارد با برجسته کردن مواضع رهبر شهید علیه سلاح هسته‌ای، در برابر بحث تغییر دکترین موضع گرفت؛ هرچند نظرسنجی همین رسانه نشان داد ۷۷ درصد شرکت‌کنندگان موافق ساخت سلاح اتمی هستند.

مژدگانی که گریه عابد شد

توسل اصلاح‌طلبان به فتوا در روزهای اخیر مصداق همان ضرب‌المثل «مژدگانی که گریه عابد شد» است؛ جریانی که در بسیاری از مباحث فقهی و دینی خود را مدافع تساهل و قرائت‌های متناسب با زمان و عبور از دین به بهانه‌های مختلف معرفی می‌کرد، اکنون که برای رد بازدارندگی اتمی با چالش علمی و عقلی روبه‌رو شده، به فتوا متمسک می‌شود. این در حالی است که بسیاری از فقها با استناد به اصل فقه پویا و اقتضائات زمانه، از امکان بررسی تغییر یا تعلیق برخی احکام در شرایط متفاوت سخن می‌گویند. شهید آوینی پیشتر در زمینه عابد شدن این قبیل افراد گفته بود: «برخی، امام گذشته را عاشق‌اند، نه امام حاضر را... امام گذشته را هرگونه بخواهند تفسیر می‌کنند اما امام حاضر را باید فرمان برند»

وجه دیگر این منازعه، ادعاهای محمدجواد ظریف و همفکران او درباره کارآمدی بازدارندگی است. ظریف با اشاره به اینکه سلاح هسته‌ای مانع فروپاشی شوروی نشد یا نتوانسته همه تهدیدهای متوجه اسرائیل را از میان ببرد، نتیجه‌ای می‌گیرد که اساساً پاسخ به کارکرد واقعی بازدارندگی نیست؛ زیرا ادعای نظریه بازدارندگی هرگز این نبوده که بمب اتم از فروپاشی سیاسی، بحران اقتصادی یا هر جنگ محدود جلوگیری می‌کند.

اتفاقاً مقاله‌ای مهم در «فارن‌افرز» که توسط پنج چهره از مقامات بلندپایه هسته‌ای آمریکا، تحلیلگران اسرائیلی و اساتید دانشگاهی نوشته شده، همین مغالطه را هدف قرار می‌دهد. نویسندگان تأکید می‌کنند: «کسانی که برای سلاح اتمی آگهی ترحیم می‌نویسند، نقش این تسلیحات از ۱۹۴۵ تاکنون را اساسا درک نکرده‌اند». استدلال مقاله روشن است: «هدف سلاح هسته‌ای جلوگیری از هرنوع جنگی نیست؛ بلکه تعیین سقف برای تجاوز فاجعه‌بار دشمن و جلوگیری از بزرگ‌ترین تهدید، یعنی حمله‌ای است که موجودیت کشور را به خطر می‌اندازد. نویسندگان می‌نویسند: «اگر اوکراین پس از فروپاشی شوروی سلاح‌های هسته‌ای خود را حفظ کرده بود، شاید پوتین هرگز تهاجم گسترده را آغاز نمی‌کرد.» مهم‌تر از آن، درباره ایران صراحتا می‌گویند: «اگر تهران دارای سلاح هسته‌ای بود، شاید اسرائیل و آمریکا از ترور مسئولان و رهبر ایران خودداری می‌کردند.»

اینجاست که نسخه امروز «باند نیویورکی‌ها» با یک تناقض بزرگ مواجه می‌شود. آنان درست در زمانی از بی‌اهمیتی بازدارندگی سخن می‌گویند که تجربه جنگ روسیه و اوکراین و جنگ‌های آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بحث درباره ارزش بازدارندگی هسته‌ای را دوباره در مرکز مطالعات امنیت بین‌الملل در سطح دانشگاه‌های تراز اول جهان قرار داده است.

لاوروف پیش‌تر در گفت‌وگو با راشا تودی عربی در ژوئن ۲۰۲۶ گفت: «به محض اینکه لیبی برنامه هسته‌ای‌اش را رها کرد، قذافی سرنگون و کشته شد... اما کره شمالی نتیجه‌گیری کرد که بدون سلاح هسته‌ای، از روی زمین محو خواهد شد.»

جان مرشایمر، نظریه‌پرداز رئالیسم تهاجمی و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو، نیز می‌گوید: «اگر من به جای سیاست‌مداران ایرانی بودم، برای ساخت سلاح اتمی حتی اگر لازم بود علف می‌خوردم. چون اگر سلاح اتمی داشته باشید، بسیار بعید است که اسرائیل یا آمریکا مجدداً به شما حمله کنند؛ چون از وقوع جنگ هسته‌ای می‌ترسند.»

این بحث تازه نیست. کنت والتز، بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز علم روابط بین‌الملل، در آخرین مقاله مشهور خود «چرا ایران باید بمب اتمی داشته باشد» در سال ۲۰۱۲ استدلال کرد: «اتمی شدن ایران نه تهدید، بلکه می‌تواند بهترین نتیجه برای ثبات خاورمیانه باشد.» منطق والتز بر یک گزاره استوار بود: «قدرت، طلب تعادل می‌کند اسرائیل از انحصار هسته‌ای برخوردار است و ایران هسته‌ای می‌تواند این عدم توازن را تغییر دهد و هزینه اقدامات تهاجمی یک‌طرفه و حملات پیش‌دستانه را بالا ببرد.» والتز بر اساس تجربه آمریکا و شوروی و هند و پاکستان معتقد بود دولت‌های هسته‌ای در مواجهه مستقیم محتاط‌تر می‌شوند، زیرا هزینه اشتباه به شکلی تصاعدی افزایش می‌یابد.»

چرا مخالفت؟

اما پرسش سیاسی مهم‌تر درباره داخل ایران است. چرا غرب‌گرایان امروز نیز با تمام توان در برابر تغییر دکترین هسته‌ای ایستاده است؟ پاسخ را شاید باید در «پیامد سیاسی» اتمی شدن ایران جست‌وجو کرد. چنین تصمیمی می‌تواند به ۲۳ سال وضعیت «استخوان لای زخم» در پرونده هسته‌ای و مذاکرات فرسایشی بی حاصل این طیف پایان دهد؛ مذاکراتی که با وجود عقب‌نشینی‌های متعدد، هزینه اصلی آن را ملت پرداخت کرده است. افزون بر آن، با بسته‌شدن این پرونده، یکی از مهم‌ترین مستمسک‌های سیاسی جریانی که حضور خود را با عنوان «متخصص تعامل و مذاکره با جهان» توجیه کرده، از میان خواهد رفت. ۲۳ سال «سیاست عقب‌نشینی برای عادی‌سازی» نتوانست ایران را از تحریم، ترور و در نهایت جنگ مصون نگه دارد. اکنون مطالبه‌ای متفاوت در حال شکل گرفته است.

جهان از بازدارندگی می‌گوید، برجامی‌ها از خلع قدرت

درست در شرایطی که جنگ اوکراین و جنگ‌های آمریکا و اسرائیل علیه ایران، ادبیات بازدارندگی هسته‌ای را بار دیگر به مرکز مباحث روابط بین‌الملل آورده، طیف برجامی همچنان در تلاش است سلاح هسته‌ای را بی‌اثر جلوه دهد؛ حال آنکه از کنت والتز تا جان مرشایمر و از تحلیل‌های جدید فارن‌افرز تا تجربه لیبی و کره شمالی، یک پرسش جدی‌تر از گذشته مطرح است: آیا خلع قدرت، امنیت می‌آورد؟

یادداشت

دستور رهبری برای پایان مرز پاسخ

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضور آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای نشانه‌هایی روشن از صورت‌بندی یک دکترین نظامی جدید دارد؛ دکترینی که اگر راهبرد رهبری شهید در جنگ ۴۰ روزه، مفهوم «جنگ منطقه‌ای» و گسترش میدان درگیری را عملاً پیش چشم جهان قرار داد، اکنون یک گام جلوتر رفته و بر برداشتن محدودیت جغرافیایی و عملیاتی از پاسخ ایران تأکید می‌کند.

کلیدواژه نخست، «بازدارندگی حداکثری» است. فرمانده کل قوا، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را لازمه این بازدارندگی دانسته و مقرر کرده‌اند «هر سطح و نوعی از تهدید» با «پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی» مواجه شود. سه مؤلفه فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی، در کنار یکدیگر معنای مشخصی دارند: دشمن دیگر نباید بتواند میان میدان آغاز حمله و جغرافیای دریافت پاسخ تفکیک قائل شود.

دستور به به‌روزرسانی «بانک اهداف» نیز مکمل همین منطق است. قرار گرفتن انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی در تیررس، یعنی محاسبه پاسخ صرفاً به پایگاه یا نقطه‌ای که حمله از آن آغاز شده محدود نخواهد ماند. در چنین الگویی، اصل اساسی آن است که آغازکننده جنگ شاید بتواند زمان شلیک نخست را انتخاب کند، اما الزاماً قادر به تعیین جغرافیا، دامنه و پایان جنگ نخواهد بود.

این مفهوم در تصریح دیگر فرمانده کل قوا آشکار شد: اگر دشمن بار دیگر حملات نظامی یا تروریستی را آغاز کند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که «زمان و شرایط پایان آن» را تعیین خواهند کرد. این گزاره، انتقال از منطق «دفع حمله» به منطق «تحمیل پایان جنگ» است.

در کنار آن، تأکید بر معماری اطلاعات نظامی، دفاع بومی در دو حوزه دکترین و تاکتیک، فناوری‌های نوین و افزایش توانمندی‌های روزآمد نشان می‌دهد حذف محدودیت جغرافیایی بدون ایجاد زیرساخت اطلاعاتی، شناسایی و تسلیحاتی ممکن نیست. گزارش فرماندهان از آمادگی در خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و مرزهای شمال غرب و جنوب شرق و نیز تولید چندبرابری مهمات و سلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی نیز در همین چارچوب قابل خواندن است.

اما ضلع دیگر این دکترین، «وحدت ساحات» است. قدردانی از جبهه مقاومت و توصیف وحدت ساحات به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده در نظم جدید غرب آسیا، نشان می‌دهد جغرافیای بازدارندگی ایران دیگر صرفاً از خطوط مرزی تعریف نمی‌شود. وحدت ساحات امروز به خصوص در سایه حماسه آفرینی انصارالله یمن در باب المندب و برضد رژیم سرسپرده سعودی بیش از پیش نمایان گشته است.

در دکترین جدید، دشمن نمی‌تواند جنگی را در نقطه‌ای که خود انتخاب کرده آغاز کند، سپس انتظار داشته باشد ایران نیز در همان نقطه و مطابق قواعد طراحی شده او پاسخ دهد. اگر جنگ دوباره تحمیل شود، این بار نه جغرافیای پاسخ از پیش محدود است و نه پایان آن الزاماً در اختیار آغازکننده جنگ خواهد بود.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

هالووین؛ جشن از خود بیگانگی

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

جمعه شب اگر چشمانتان را می‌بستید و یکباره در برخی از خیابان‌های تهران و دیگر کلان‌شهرها، کافه‌ها و مال‌ها باز می‌کردید، با تصاویر رقت‌باری مواجه می‌شدید: جوانانی که به بهانه جشن هالووین با گریم‌های به‌اصطلاح ترسناک اما صدالبته مضحک و مسخره در حال ارائه نمایش مهوع و وارداتی‌ای بودند که این روزها حتی در خاستگاه خود نیز چندان جدی گرفته نمی‌شود. هالووین امسال در این نقاط، از نظر تعداد مهمانی‌ها، هزینه، شور و هیجان، باشکوه‌تر از آمریکا و جهان غرب برگزار شد؛ آیینی که در زادگاه خود دست‌کم شناسنامه‌ای دارد و در اینجا تنها پوسته‌اش وارد شده است.

مسئله اما صرفاً برگزاری یک جشن وارداتی نیست. موضوع، نسبتی است که این جماعت با خود، جامعه و فرهنگ پیرامونشان برقرار می‌کنند. مگر می‌شود جامعه‌ای را تصور کرد که در آن جوانانش تا این اندازه مشتاق بازسازی مضحک‌ترین صورت‌های فرهنگی دیگران باشند، بی‌آنکه حتی زحمت شناخت ریشه‌ها و معنای آن را به خود بدهند؟ این دیگر نه تعامل فرهنگی است و نه نشانه جهان‌وطنی؛ نوعی مصرف‌زدگی فرهنگی است که در آن فرد حتی برای تفریح و سرگرمی نیز باید از دیگری نسخه‌برداری کور کند.

اینجا با پدیده‌ای فراتر از تقلید صرف مواجهیم؛ در واقع با وضعیتی روبرو هستیم که در آن، فرد برای تعریف خود، ناچار است به نشانه‌های عاریتی پناه ببرد. انگار که آنچه از فرهنگ و تاریخ و حافظه جمعی خود به ارث برده، آن‌قدر بی‌ارزش و حقیر است که حتی برای چند ساعت خوش‌گذرانی نیز باید آن را کنار بگذارد و در هیئت دیگری ظاهر شود. نکته جالب اینجاست که این طیف از جامعه، معمولاً در برابر آئین‌های اسلامی و شیعی گارد سفت و سختی هم به خود می‌گیرند و ناگهان به یاد نیاکان آریایی و باستان‌گرایی می‌افتند، اما در برابر هجوم فرهنگ غربی، از پاپ هم کاتولیک‌تر می‌شوند. مشخصاً مقصود ما این نیست که درهای جامعه را به روی تمام عناصر فرهنگ‌های دیگر ببندیم یا هر پدیده خارجی را به صرف خارجی بودن محکوم کنیم. سخن بر سر تفاوت میان شناخت و تقلید، و مهم‌تر از آن، تفاوت میان انتخاب آگاهانه و دنباله‌روی کورکورانه است. وقتی تمام نسبت یک فرد با یک آیین یا جشن وارداتی، چند ماسک و گریم و عکس یادگاری است، صحبت از التقاط فرهنگ و تبادل آن مسخره کردن خود است.

تلخ‌تر آنکه این جماعت تصور می‌کنند با این نمایش‌ها متفاوت و متمایز شده‌اند؛ حال آنکه در انبوهی از چهره‌های مضحک و بدون جغرافیا، بیش از هر چیز فقدان هویت خود را به نمایش گذاشته‌اند. کسب‌وکارهایی هم که در سایه فقدان نظارت از سوی نهادهای متولی فرهنگ و اماکن، برای جذب مشتری به این نمایش‌های مبتذل تن می‌دهند و در آتش این تهاجم فرهنگی می‌دمند، باید بدانند که صرفاً یک مناسبت تجاری را تبلیغ نمی‌کنند؛ آنها در حال بازتولید ذائقه‌ای هستند که تیشه به ریشه فرهنگ می‌زند. کافه و رستورانی که هیچ تمایزی جز تقلید از موج‌های زودگذر وارداتی ندارد، عملاً هویت و شخصیت تجاری خود را نیز به حراج گذاشته است. این بنگاه‌ها شاید در یک شب فروش بیشتری داشته باشند، اما با تضعیف سرمایه فرهنگی و اجتماعی محیطی که در آن فعالیت می‌کنند، همان شاخه‌ای را می‌برند که خود بر آن نشسته‌اند.

موضوع فلسطین در اروپا از حاشیه به اصل آمد

چهره هنری باغ اروپا دیگر نسبتی با گذشته ندارد

اکنون در شب‌های پاییزی دوبلین، لندن و برلین، صحنه‌هایی تکرار می‌شود که تا چند سال پیش تصورشان دشوار بود؛ سالن‌هایی پر از جوانان اروپایی که با چفیه‌ای برگردن، با صدای بلند شعارهایی به عربی سر می‌دهند و با موسیقی‌ای که ریشه در غرب آسیا دارد، هم‌نوا می‌شوند. این کنسرت‌ها که در قالب شبکه‌های «هنرمندان برای فلسطین» برگزار می‌شوند، دیگر رویدادهای حاشیه‌ای نیستند و به جریان اصلی فرهنگ اروپا راه یافته‌اند. مکلمور، رپر آمریکایی، که در ماه‌های اخیر با انتشار ترانه «Palestine» و حضور با چفیه در کنسرت‌هایش به یکی از نمادهای این موج تبدیل شده، در یکی از مصاحبه‌هایش گفته است: «سکوت در برابر آنچه در غزه می‌گذرد، دیگر برای نسل من ممکن نیست». او البته برخلاف گزارش‌هایی که در برخی جراید و رسانه‌های داخلی ما مطرح می‌شود، هرگز عضو گروه موسیقی «اد شیرن» نبوده -اد شیرن و مکلمور هر دو هنرمندانی مستقل‌اند- اما همکاری‌های پیشین و موضع اخیر مکلمور، وی را در کانون توجه قرار داده است.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

در ابتدا باید گفت که این کنسرت‌ها نشانه‌ی شکل‌گیری یک جامعه‌ی سیاسی جدید در دل اروپاست. جامعه‌ای که مرزهای ملی را درمی‌نوردد و بر پایه یک همبستگی اخلاقی بنا می‌شود. جوانی در دوبلین، فرد دیگری در برلین و بند و گروهی دیگر در بارسلون، هرسه با یک زبان مشترک حرف می‌زنند و صهیونیزم جهانی و حامیانشان را مورد انتقاد فراوان قرار می‌دهند. این کنش جمعی، از مدل‌های پیشین جنبش‌های اروپایی متمایز است، چرا که این نگرش نه بر پایه طبقه، مذهب و ملیت، که بر پایه یک موضع اخلاقی مشخص شکل گرفته است.

نسل جدید اروپا در حال بازتعریف قهرمان‌هایش است و معیار قهرمانی دیگر تنها به استعداد هنری یا موفقیت تجاری خاص بستگی ندارد. در واقع موضعی که ایشان در برابر قضیه فلسطین در پیش گرفته‌اند به یکی از شاخصه‌های اصلی ارزیابی هنرمندان تبدیل شده است. در این میان هستند هنرمندانی که سکوت می‌کنند اما این افراد باید بدانند که با این کار رفته‌رفته از دایره تحسین نسل Z خارج می‌شوند و چهره‌ها و هنرمندانی چون مکلمور، راجر واترز، برایان و گروه‌هایی که آشکارا موضع گرفته‌اند، به نمادهای جدید تبدیل می‌شوند. این تحول، تغییری عمیق در اقتصاد نمادین فرهنگ غرب است.

در ادامه، باید گفت که ساختار این جنبش شباهت‌هایی با جنبش ضد جنگ ویتنام دارد، با این تفاوت که در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، مخالفان جنگ ویتنام پایگاه اجتماعی گسترده‌ای داشتند و حامیان جنگ نیز پایگاه خود را از دست می‌دادند، ولی امروز، حامیان سیاست‌های اسرائیل در اروپا با پایگاهی اجتماعی مستهلک و رو به کاهش مواجه‌اند، در حالی که مخالفان آن، به‌ویژه در میان نسل جوان، در حال گسترشند. این عدم توازن، آینده‌ی سیاسی اروپا را شکل خواهد داد. هرکنش سلبی در برابر فلسطین -از سانسور یک هنرمند تا ممنوعیت یک نماد- به سوختی برای جنبشی وسیع‌تر تبدیل می‌شود. ممنوعیت چفیه در برخی مدارس فرانسه، توقیف کنسرت‌هایی که به مسئله غزه و مردم مظلوم آن اختصاص داشتند، یا فشار بر دانشگاه‌ها برای لغو برنامه‌های همبستگی با فلسطین، هرکدام به بهانه‌ای برای بسیج بیشتر تبدیل شده‌اند.

این پویایی، جنبش را در برابر سرکوب مقاوم می‌کند و آن را از یک موج گذرا به یک حرکت اجتماعی پایدار تبدیل می‌کند. فرهنگ غرب آسیا، یا آنطور که سیاستمداران غربی و رسانه‌هایشان منطقه ما را «خاورمیانه» خطاب قرار می‌دهند، در حال ترند شدن در اروپاست. در همین راستا، چفیه از یک نماد سیاسی به یک عنصر فشن تبدیل شده و در فشن‌ویک‌های پاریس و میلان دیده می‌شود.

موسیقی عربی، از ستاره شرق گرفته تا هنرمندان معاصر فلسطینی مانند دام و شتّاع، در پلی‌لیست اسپاتیفای جوانان اروپایی جای گرفته است. این ترند شدن، هرچند ممکن است سطحی به نظر برسد، اما می‌تواند دریچه‌ای به سوی فهم عمیق‌تر از فرهنگ و تاریخ منطقه درنظر گرفته شود. حجم این کنش‌ها نشان می‌دهد که با یک پدیده‌ی گذرا مواجه نیستیم. از اکتبر ۲۰۲۳، یعنی از عملیات قهرمانانه طوفان‌الاقصی تا امروز، صدها کنسرت، نمایشگاه، و رویداد فرهنگی در حمایت از فلسطین در اروپا برگزار شده است.

ما تاکنون چنین حجمی از کنش فرهنگی صرفاً حول موضوع فلسطین ندیده‌ایم و این تداوم، نشانه‌ی آن است که فلسطین از یک مسئله صرف سیاسی به یک موضوع محوری در بعد فرهنگی و اخلاقی برای نسل جدید اروپا تبدیل شده است. باید پذیرفت که این جنبش، فارغ از آن که چه سرنوشتی در عرصه‌ی سیاست رسمی بیابد، اروپا را تغییر داده است. اروپای ده سال پیش، اروپایی بود که در آن فلسطین حاشیه‌ای فراموش‌شده بود.

یادداشت

سینمایی برای خانواده

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

اکران «حاشیه» ساخته محمد علیزاده‌فرد، فارغ از اینکه درباره کیفیت نهایی فیلم چه قضاوتی داشته باشیم، یک نکته مهم‌تر را دوباره پیش چشم سینمای ایران می‌گذارد: سینمای ما بیش از هر چیز به فیلم‌هایی نیاز دارد که بتوانند مخاطب را با خود به سالن سینما ببرند و در عین حال حرفی درباره زندگی، خانواده و جامعه داشته باشند.

«حاشیه» از یک ماجرای ساده و قابل فهم شروع می‌کند؛ گم شدن کودکان در حاشیه شهر و تلاش خانواده‌ها برای پیدا کردن آنها. همین انتخاب، فیلم را به سمت یک قصه معمایی و پرتعلیق می‌برد. قصه‌ای که مخاطب عام هم می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. در کنار آن فیلم سراغ موضوعاتی مانند فقر، حاشیه‌نشینی، آسیب‌پذیری کودکان و فشار اقتصادی بر خانواده‌ها می‌رود. حتی کارگردان نیز گفته است ایده اولیه فیلم از یک پرونده واقعی درباره ناپدید شدن کودکان الهام گرفته شده است.

این همان الگویی است که سینمای ایران در سال‌های اخیر کمتر به سراغش رفته است: فیلمی که هم قصه دارد، هم شخصیت، هم مسئله اجتماعی و هم امکان تماشای خانوادگی. نمونه‌های موفق این الگو را پیش‌تر در آثاری مانند «خواهران غریب» و «مهر مادری» دیده‌ایم. فیلم‌هایی که موضوعات انسانی و تربیتی را در دل قصه و سرگرمی به مخاطب منتقل می‌کردند و فقط برای قشر محدودی از تماشاگران ساخته نشده بودند.

اتفاقاً در سینمای غرب نیز بخش مهمی از سینمای خانوادگی بر همین اساس شکل گرفته است. آثاری که سرگرمی، تربیت، اخلاق و مناسبات خانوادگی را در یک بسته روایی جمع می‌کنند. چنین فیلم‌هایی ظرفیت تلویزیونی بالایی هم دارند و می‌توانند پس از اکران، زندگی دوم خود را روی آنتن پیدا کنند. بنابراین مسئله فقط «حاشیه» نیست. مسئله احیای یک گونه فیلمسازی است. نهادهای فرهنگی اگر قرار است برای سینما هزینه کنند، لازم نیست همیشه سراغ پروژه‌های عظیم و پرخرج بروند. گاهی یک قصه خوب درباره یک خانواده، یک کودک و یک مسئله واقعی، می‌تواند هم اثرگذارتر باشد و هم مخاطب بیشتری پیدا کند.

رهاسازی بازار، این بار در قلمرو فرهنگ و هنر



افزایش قیمت بلیت برخی کنسرت‌ها به بیش از سه میلیون تومان، نشان می‌دهد که سیاست رهاسازی بازار در دولت پزشکیان به حوزه فرهنگ و هنر هم رسیده است. بابک رضایی، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صریحاً گفته است که وزارتخانه هیچ دستورالعمل یا ابلاغیه قانونی ندارد که به آن اجازه دهد مستقیماً در قیمت‌گذاری بلیت کنسرت‌ها نقش داشته باشد. او تنها به ابلاغیه‌های کلی اشاره کرده است؛ از جمله ابلاغیه دولت پس از جنگ ۱۲روزه که دستگاه‌های دولتی را موظف می‌کرد خدمات مختلف را کنترل کنند تا افزایش بی‌رویه قیمت‌ها رخ ندهد. اما نکته‌ی مبهم همین‌جاست: این «کنترل» دقیقاً چه سازوکاری دارد؟ کدام نهاد نقش نظارت را دارد؟ و ضمانت اجرایی آن چیست؟ تنها چیزی که برای کمک به مردم در حوزه فرهنگ دیده شده، فروش اقساطی بلیط سینما و کنسرت بوده است و در مورد اقدامات دیگر پاسخ روشنی از سوی مسئولان داده نشده و از «تمهیدات» مورد اشاره هم هیچ مصداق مشخص دیگری ارائه نشده است.

نتیجه آن است که مخاطب، در شرایط تورمی و فشار معیشتی، با بلیت‌هایی روبه‌رو است که قیمتشان بدون هیچ چارچوب شفافی بالا می‌رود. وقتی متولی رسمی موسیقی از نداشتن اختیار سخن می‌گوید و وعده‌های کلی هم بدون پشتوانه عملی می‌ماند، دسترسی عموم به هنر عملاً به توان مالی گره می‌خورد و بازار، آزاد از هر نظارتی، تکلیف را تعیین می‌کند.